

تأثیرپذیری جنبش‌ها و نیروهای اسلام‌گرا از یکدیگر؛ بررسی موردی بازتاب اندیشه‌های غرب‌ستیزانه سید قطب در نظریات آیت‌الله طالقانی

محمدعلی همتی*

سید محمدعلی تقوی**

چکیده

سید قطب نظریه پرداز برجسته اخوان المسلمین مصر، از جمله شخصیت‌های مشهوری است که تأثیر عمیق اندیشه‌هایش بر جهان اسلام را نمی‌توان نادیده انگاشت. روحانیان ایرانی که تمدن غرب را خطری برای هویت اسلامی جامعه خود می‌دانستند، در کنار سایر منابع، از اندیشه‌های سید قطب برای مبارزه با الگوی غربی استفاده کردند. سؤال اصلی این پژوهش آن است که آیا آیت‌الله طالقانی در آراء خود از اندیشه‌های سید قطب تأثیر پذیرفته است؟ در پاسخ به این سؤال، با در نظر گرفتن دو مقوله «تشابهات مفهومی» و «توالی زمانی» می‌توان اندیشه‌های سید قطب را بر آراء غرب‌ستیزانه آیت‌الله طالقانی مؤثر دانست. وجود نشانه‌هایی دال بر ارتباط آیت‌الله طالقانی با محافل عربی و اسلامی آشنا با اندیشه‌های سید قطب و به ویژه دسترسی ایشان به اصل عربی یا ترجمه فارسی آثار وی این احتمال را تقویت می‌کند.

واژگان کلیدی

سید قطب، آیت‌الله طالقانی، تشابهات محتوایی، توالی زمانی، غرب‌ستیزی.

alihemati33@yahoo.com

smataghavi@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۱۸

*. کارشناس ارشد علوم سیاسی.

**دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۱

مقدمه

وجوه تشابه میان جنبش‌های معاصر اسلامی همواره این پرسش را مطرح می‌ساخته است که آیا این جنبش‌ها بر یکدیگر تأثیر نهاده‌اند. گاهی این حرکت‌ها چنان پی‌درپی و «دومینو»وار رخ داده‌اند که تردیدی در الهام‌پذیری آنها از یکدیگر نیست، اما گاهی فاصله زمانی و تفاوت‌های بسیار، بررسی امکان تأثیرپذیری را دشوار می‌سازد. در چنین وضعیتی شاید مطالعه موردی و جزئی جنبش‌ها یا کسانی که احتمال تأثیرپذیری آنها از یکدیگر می‌رود راهنمای بهتری باشد. در پژوهش حاضر به طور مشخص به مطالعه امکان تأثیرپذیری آیت‌الله طالقانی از آراء سید قطب در باب غرب پرداخته می‌شود.

سید قطب یکی از مهم‌ترین چهره‌های جنبش اسلامی معاصر در مصر طی دهه‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ است که درباره تأثیرگذاری او بر سایر شخصیت‌ها و نیروهای اسلام‌گرا در سراسر جهان اسلام سخن بسیار رانده شده است. امروزه پس از گذشت بیش از چهار دهه از اعدام سید قطب به دست حکومت جمال عبدالناصر، نه تنها اهمیت او برای حرکت‌های اسلامی کم نشده است، بلکه هر روز جلوه‌ای تازه از این تأثیرگذاری نمایان می‌شود.

سید قطب در دوران زندگی خود، در کنار مبارزه با رژیم حاکم، تلاش کرد تا با نگارش کتاب‌هایی در جهت عمق بخشیدن به ایدئولوژی اسلامی قدم بردارد. او در این کتاب‌ها به الگوی غربی می‌تاخت و بیان می‌کرد که تنها راه نجات بشریت روی آوردن به اسلام حقیقی است.

اثر بخشی این کتاب‌ها در مصر به حدی بود که حتی «افسران آزاد» از جمله جمال عبدالناصر، مقالات سید قطب را مطالعه نموده و به اعضای خود توصیه می‌کردند تا کتاب‌های او را به منظور بالا بردن توانمندی فکری خویش بخوانند. (خالدی، ۱۳۸۰: ۳۷۹) تأثیر کتاب‌های سید قطب بر اخوان المسلمین سبب شده بود تا اهمیت خاصی برای او قائل شوند. (حموده، ۱۳۸۶: ۹۶) اما چندی پس از به قدرت رسیدن افسران آزاد، همین کتاب‌ها مشکل‌ساز تلقی شدند و به گفته زینب الغزالی، یکی از اعضای برجسته اخوان المسلمین، دلیل اعدام سید قطب نگارش کتاب معالم فی الطریق بود. (کوپل، ۱۳۶۶: ۴۱) همان طور که دکمجیان می‌گوید: «نقش خاص سید قطب در تثویز کردن اسلام، حمله صریح و بی‌پروای او به غرب و نیز سرپیچی از اطاعت حکومت و نهایتاً اعدام وی، باعث شد تا مبارزان مسلمان از او تأثیر بسیاری پذیرند». (دکمجیان، ۱۳۸۸: ۱۶۵) یکی از جنبه‌های این تأثیرپذیری نگرش نسبت به غرب است.

از سوی دیگر در ایران، با وجود سابقه‌ای نزدیک به دو قرن از نفوذ تمدن غرب (نقوی، ۱۳۶۱: ۴۰؛ آزاد ارمکی، ۱۳۸۰: ۸۹؛ نجفی، ۱۳۸۵: ۲۷؛ مدنی، ۱۳۷۸: ۴) غرب‌گرایی در دوران پهلوی اول تشدید گردید، به طوری که رضاشاه تنها راه‌هایی از مشکلات پیشاروی جامعه ایران را حرکت به سمت الگوی غرب می‌دانست. همین امر سبب شد تا برخی از تجلیات تمدن غرب در ایران آشکارتر شده و در تعارض با سنت‌ها

قرار گیرد. (درخشه، ۱۳۸۱: ۶۸؛ ازغندی، ۱۳۸۲: ۱۰۴) این وضعیت در دوران حکومت محمد رضا شاه ادامه یافت. (شکرزاده، ۱۳۸۶: ۱۹؛ جاوید، ۱۳۷۹: ۱۱۰؛ افراسیابی، ۱۳۶۷: ۳۸) در حالی که در این دوران تسلط دو اردوگاه کمونیسم و سرمایه‌داری، ایرانیان را به سمت الگوگیری از ایدئولوژی‌های بیگانه کشانده بود، روحانیون ایرانی راه‌رهایی جامعه از مشکلات گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تمسک به اسلام می‌دانستند. در این مسیر، هر منبعی از جانب ایرانیان و غیر ایرانیان که می‌توانست به تقویت الگوی اسلامی کمک نماید، مورد استقبال روحانیان ایران واقع می‌شد. یکی از کسانی که با نپذیرفتن ایدئولوژی‌های بیگانه، در جهت ارائه الگوی اسلامی کوشید، آیت‌الله طالقانی مبارز کهنه‌کار انقلاب بود. با توجه به این زمینه، سؤالی که در این پژوهش مطرح می‌شود آن است که آیا آیت‌الله طالقانی در آراء غرب‌ستیزانه خود از اندیشه‌های سید قطب، تأثیر پذیرفته است؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال، نخست به بررسی مفاهیم محوری در آراء و آثار آیت‌الله طالقانی و مقایسه آنها با مفاهیم و مؤلفه‌های کلیدی در اندیشه‌های سید قطب می‌پردازیم. یکی از راه‌های اثبات تأثیرپذیری، مقایسه است. (منوچهری و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۵۵ و ۲۷۷؛ طاهری، ۱۳۸۰: ۱۹۰؛ دورکیم، ۱۳۸۳: ۱۳۷ و ۱۴۱؛ لیتل، ۱۳۸۶: ۴۲ و ۴۳) تشابهات مفهومی، احتمال تأثیرپذیری را مطرح می‌کند. (محرمانی، ۱۳۸۹: ۱۷۶) اما در کنار مشابهت‌ها، باید ارتباطی منطقی نیز بین عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر وجود داشته باشد، به طوری که این دو از لحاظ زمانی با یکدیگر در پیوند باشند. (الکک، بی‌تا: ۶؛ طاهری، ۱۳۸۰: ۳۸؛ لیتل، ۱۳۸۶: ۳۲ و ۴۳) بدین ترتیب، توجه به توالی زمانی اهمیت ویژه‌ای دارد.

بنابراین، اگر شباهت‌هایی را میان اندیشه‌های سید قطب و آثار آیت‌الله طالقانی بیابیم که از لحاظ تاریخی در دنباله یکدیگر قرار می‌گیرند، به‌نحوی که بتوان گفت پس از ورود اندیشه‌های سید قطب به ایران، مضامین مشابه با اندیشه‌های او در آثار آیت‌الله طالقانی هم نمود بیشتری یافته یا با تأکید بیشتر و دفعات زیادتری مطرح گشته‌اند، احتمال تأثیرپذیری بیشتر می‌شود. در کنار این، یافتن شواهدی که آشنایی آیت‌الله طالقانی با آثار و اندیشه‌های سید قطب را نشان دهد، اسباب عینی احتمال تأثیرپذیری را مشخص می‌سازد. در این مقاله پس از بررسی تشابهات مفهومی و نظری میان اندیشه‌های دو متفکر مزبور و سنجش توالی زمانی این اندیشه‌ها، به بررسی آن دسته از کانال‌های ارتباطی می‌پردازیم که ممکن است ابزار عینی انتقال اندیشه سید قطب به آیت‌الله طالقانی باشند.

تشابه مفهومی آراء آیت‌الله طالقانی و سید قطب در باب غرب

فعالیت‌های آیت‌الله طالقانی در زمینه مبارزه با الگوهای غیراسلامی به پیش از دهه سی شمسی و قبل از ورود آثار سید قطب به ایران مربوط می‌شود. طالقانی در این سال‌ها ضمن نگارش مقالاتی در نشریات

دانش آموز، آیین اسلام و مجله مسلمین، سخنرانی‌هایی نیز در انجمن اسلامی دانشجویان، مسجد هدایت و همچنین رادیو ایراد می‌کند که بخشی از آن توسط «انتشارات رادیو» چاپ شده است. ایشان در این دوره نگاه روحانیت به رسانه را نادرست و به ضرر دین دانسته و معتقد است در اثر بی‌توجهی روحانیت به وسایل جدید و نوآوری‌های روز، موقعیت برای گوشه نشینی دین و جدا شدن آن از عرصه عمومی فراهم آمده است. (طالقانی، بی تا الف: ۳) او انگیزه خود از مطرح کردن الگوی اسلامی را خطر ایدئولوژی‌های بیگانه برای جوانان و تضعیف و کم‌رنگ شدن اسلام در جامعه ایران می‌خواند. (میرابوالقاسمی، ۱۳۸۲: ۱ / ۱۱۴)

آیت‌الله طالقانی در این دوره تلاش داشت تا دین اسلام را دینی عمل‌گرا نشان دهد که برای مشکلات اجتماعی راه حل دارد. با این حال، آراء غرب‌ستیزانه در آثار این دوره او کمتر مشهود است. موضوع سخنرانی‌های وی در این دوره بیشتر حول مواردی مانند حقیقت تربیت از دیدگاه قرآن، میلاد پیامبر ﷺ، اوضاع جهان در آستانه میلاد، محیط تربیتی خانواده، ساختمان بدن انسان، عواقب شیوع مواد الکلی و پیامدهای فردی و اجتماعی آن بر قوای دفاعی بدن، علل ضعف مقاومت مزاج و چاره تسکین دردها در پرتو ایمان است. (ر.ک: طالقانی: بی تا الف: طالقانی، ۱۳۵۸ الف)

اما از دهه سی شمسی به بعد است که در خلال نهضت ملی شدن صنعت نفت و حتی پس از کودتای ۱۳۳۲، فعالیت‌های فکری آیت‌الله طالقانی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر در همین زمان، آثار سید قطب در جهان عرب انتشار یافته و سپس یکی پس از دیگری به فارسی ترجمه می‌شود.

بنابراین، مقایسه مفهومی آثار آیت‌الله طالقانی و سید قطب حول نوشته‌های دهه سی به بعد ایشان متمرکز می‌شود. آن دسته از کتاب‌های سید قطب که به عنوان منابع استنادی این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرند به ترتیب زمان انتشار عبارتند از: *العدالة الاجتماعية فی الاسلام* (۱۹۴۹ م معادل ۱۳۲۸ ش)، *معركة الاسلام و الرأسمالية* (۱۹۵۱ م معادل ۱۳۳۰ ش)، *الاسلام العالمی و الاسلام* (۱۹۵۱ م معادل ۱۳۳۰ ش)، *فی ظلال القرآن* (۱۹۵۲ - ۱۹۶۴ م معادل ۱۳۳۱ - ۱۳۴۳ ش)، *دراسات الاسلامیه* (۱۹۵۳ م معادل ۱۳۳۲ ش)، *هذا الدین* (۱۹۵۴ - ۱۹۶۰ م معادل ۱۳۳۳ - ۱۳۳۹ ش)، *الاسلام و المشكلات الحضاره* (۱۹۵۴ - ۱۹۶۲ م معادل ۱۳۳۳ - ۱۳۴۱ ش)، *خصائص التصور الاسلامی و مقوماته* (۱۹۶۲ م معادل ۱۳۴۱ ش)، *معالم فی الطریق* (۱۹۶۴ م معادل ۱۳۴۳ ش) و *مقومات التصور الاسلامی* (۱۹۶۴ م معادل ۱۳۴۳ ش). (Bouzi, 1998)

۱. «بشیریت بر سر دوراهی»

برخی مفاهیم طرح شده در کتاب اسلام و مالکیت (۱۳۳۰) نوشته آیت‌الله طالقانی با مفاهیم طرح شده در کتاب‌های اولیه سید قطب مانند کتاب *العدالة الاجتماعية فی الاسلام* (۱۹۴۹ م معادل ۱۳۲۸ ش)، شباهت

بسیاری دارد. طالقانی در کتاب اسلام و مالکیت معتقد است از آنجا که تفکرات انسانی، محدود به محیط خود هستند، از ارائه سیستم و برنامه‌ای جامع برای انسان عاجزند. در نتیجه باید به دنبال اندیشه‌ای بود که از محیط محدود و مادی فراتر رود و رابطه فکر و اخلاق و اقتصاد و اجتماع را از سطح عالی و مبادی ثابتی بنگرد و از آن سطح عالی، جهات مختلف و آغاز و انجام و بیرون و درون جهان و انسان را تحت نظر گیرد. (طالقانی، ۱۳۳۳: ۴۲) او در این کتاب رژیم‌های ساخته دست بشر را زیر سؤال می‌برد و بر این نظر است که:

رژیم‌های سیاسی‌ای، همچون دموکراسی، سوسیالیسم، فاشیسم و رژیم‌های حاکم بر کشورهای اسلامی همچون مشروطه و مجلس و ... همه بازی بچه‌گانه است و تا زمانی که انسان به ناکارآمدی آن پی نبرد به آن دلبسته خواهد بود. (همان: ۱۰۳)

طالقانی معتقد است اگر چه پیش از ظهور تمدن اروپا، به علت سودجویی و خودخواهی طبقات حاکمه تمام مقررات اسلامی اجرا نمی‌شد، ولی همین اجرای محدود احکام حقوقی، سیاسی و اقتصادی اسلام باعث شده بود تا کشورهای مسلمان از جهت وحدت و قدرت اجتماعی سرآمد دنیا باشند. (همان: ۹۷) طالقانی در این کتاب هر دو نظام سرمایه‌داری و کمونیسم را دارای سرشتی یکسان می‌داند که به انسان به مثابه یک شیء نگریسته و از آن استفاده‌ای ابراری می‌کنند. (همان: ۳۹) طالقانی در پایان کتاب اسلام و مالکیت، مطلبی را با عنوان «بر سر دو راه» ذکر می‌کند که با مفهوم «دوراهی» در کتاب *العدالة الاجتماعية فی الاسلام* مشابه است. طالقانی آورده است:

همان طور که دنیا از جهت عقیده بین دو قطب توحید خالص و ثابت اسلام و نظریه غیر ثابت و مبهم مادی قرار گرفته و عقاید بین بین [او التقاطی] یکی پس از دیگری متلاشی می‌شود، از جهت صورت زندگی اجتماعی و اقتصادی نیز یا باید اصول اسلامی کاملاً اجرا گردد و در سرحدات اعتقادی و اجتماعی و اقتصادی اسلام با این اصول محکم و قوانین الهی و فطری بسته و روابط اجتماعی و معنوی ملل اسلامی محکم گردد ... یا باید تسلیم سیر عمومی جهان مادی صنعت و سیستم روزانه آن شویم که به طور یقین همه چیز خود را از دست خواهیم داد. به هر حال این سازمان اجتماعی که در آن زیست می‌نمائیم قابل دوام نیست. دیوارهای پوسیده و پی آن را از هر سو آب گرفته ... این سیل بنیان کن که عکس العمل اوهم دستگاه‌های دینی اروپا و کنیسه‌های قرون وسطی و بی‌رحمی سرمایه‌پرستان دنیا است کم و بیش پیش می‌رود و کشورهایی را هر یک پس از دیگری می‌گیرد. شما زمامداران و سیاستمداران کشورهای اسلامی ... ناچارید یکی از این دو راه را اختیار نمایید. (طالقانی، ۱۳۳۳: ۱۰۳ و ۱۰۴)

چنان که دیده می‌شود طالقانی بشریت را بر سر «دوراهی» می‌بیند. اگر به مسیری غیر از اسلام تن دهد، نابود خواهد شد و اگر به مسیری که اسلام تعیین کرده است، روی آورد از نابودی رهایی خواهد یافت. سید قطب نیز بارها در کتاب‌های خود این «دوراهی» را برای بشریت متصور شده است. (قطب، بی‌تا: ۳۴ و ۸۹؛

قطب، ۱۳۴۸: ۲۳؛ قطب، ۱۳۴۲: ۲۷۴) او در پایان کتاب *العدالة الاجتماعية فی الاسلام* آورده است:

دنیا پس از دو جنگ جهانی، امروز به دو اردوگاه و به دو بلوک بزرگ تقسیم شده است: بلوک کمونیسم در شرق و بلوک سرمایه داری در غرب. طبیعت طرز فکر اروپا و آمریکا در واقع و حقیقت خود از طبیعت تفکر روسیه شوروی جدا نیست. هر دو بر پایه تحکیم طرز فکر مادی در زندگی استوارند ... مسئله مبارزه بین دو اردوگاه شرق و غرب که با تمام شدت ادامه دارد، هرگز ما را گول نمی زند ... اما مبارزه عمیق و منطقی و اصیل، فقط بین اسلام و بین دو اردوگاه امپریالیستی شرق و غرب، هر دو به موازات همدیگر است ... اسلام تنها ایدئولوژی جهانی است که شامل طرز فکر جامع الاطرافی درباره هستی و زندگی انسان است ... آری ما هم امروز بر سر دوراهی هستیم. یا باید در آخر کاروان غربی که خود را کاروان دموکراتیک نامیده راه برویم و سرانجام هم همراه آنان به کاروان شرقی که در نزد آنها به نام کمونیسم معروف است برسیم و به آن ملحق شویم و یا اینکه به راه و روش اسلام برگردیم و آن را در تمام شئون و زندگی خود اعم از روحی و فکری و اجتماعی و اقتصادی حکومت دهیم. (قطب، ۱۳۵۵: ۵۱۱ - ۵۰۰)

با توجه به آنکه نسخه اولیه کتاب اسلام و مالکیت در سال ۱۳۳۰ شمسی منتشر شده است، آن را در توالی زمانی کتاب *العدالة الاجتماعية فی الاسلام* (۱۳۲۷ - ۱۳۲۸) مشاهده می کنیم. اگرچه در این سالها نشانه اندکی مبنی بر ترجمه آثار سید قطب در ایران در دسترس است، ولی چنان که خواهیم دید برخی مسیرها (مانند تماس مستقیم یا غیرمستقیم با شخصیت‌های مصری و از جمله سید قطب یا دسترسی به اصل عربی آثار وی) برای انتقال اندیشه سید قطب به ایران مهیا بوده است.

۲. غرب، «بت پرستی» و «بردگی» در جهان امروز

یکی از مفاهیمی که در آراء طالقانی به چشم می آید، مطرح کردن تمدن غرب و مظاهر آن به عنوان یک «بت» است. از دید او، همان طور که پرستش سنگ و چوب نوعی بت پرستی است، مال پرستی، شکم پرستی، شهوت پرستی و در سطحی بالاتر علم پرستی هم نوعی «بت پرستی» است که امروز دنیا به آن گرفتار شده است. به نظر طالقانی اگر چه بت‌های امروز از بت‌های گذشته بالاتر و از محسوسات برترند، ولی باز هم مخلوق انسان و از متعلقات وی هستند.^۱ (طالقانی، بی تا د: ۱۷) طالقانی در نسخه جدید اسلام و مالکیت^۲ نقش تمدن غرب را در این بت پرستی یادآور می شود. او می نویسد:

پیش از تحولات صنعتی گرچه شکل تولید و توزیع ثروت همیشه از مشکلات روابط زندگی بوده، ولی یگانه یا مهم ترین مشکلات به شمار نمی آمد. پس از تحولات صنعتی بت غول پیکر صنایع مولد سر برداشت و ضخیم شد و قد برافراشت. چنان که ملت‌ها و دولت‌ها، مالک و

۱. سخنرانی آیت‌الله طالقانی در اوایل دهه ۴۰.

۲. این کتاب نسخه جدیدی از اسلام و مالکیت است که طالقانی در دهه ۴۰ با برخی اضافات و اصلاحات نوشته است.

دهقان، کارفرما و کارگر، همه را در پیشگاه خود کشاند و در مقابل خود خاضع کرد و به سجده در آورد ... و مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مشکلات زندگی بشر را پیش آورد. در غرب به پاخاستن صنایع مقارن شد با سقوط نفوذ دستگاه‌های دین از افکار و رمیدگی عامه مردم از تعالیم آن. هر چه جاذبه معنوی تعالیم دین و ایمان به اصول آن سست‌تر می‌شد و نفوذ بت قرن تجدد با ثروت و خیراتش گسترش یافت، حکومت و سلطه آن بر اندیشه‌ها و افکار و اراده‌ها نافذتر گردید. (طالقانی، ۱۳۴۴ الف: ۲۶۶)

از نظر طالقانی چون اسلام بر پایه توحید بنا شده، با هر نوع بت پرستی و از جمله بت پرستی جدید ناسازگار است.^۱ (طالقانی، بی‌تا ج: ۴۴ و ۴۵) در کتاب *قیام به قسط*^۲، خطاب به تمدن غرب و غرب‌زدگان چنین آمده است:

دنیاى غرب مغرور به علوم و اکتشافات و اختراعات است. احزاب مترقى ما گرفتار شرکند چون مکتبشان را می‌پرستند ... اینها هم یکنوع بت پرستی است، شرک است. (طالقانی، ۱۳۶۰ ب: ۸۳)

طالقانی در کتاب *پرتوی از قرآن می‌نویسد*:

قرآن عقیده به الوهیت و بندگی در برابر خدا را هم در برابر انواع بت پرستی [قرار می‌دهد]، آن بت پرستانی که سنگ و چوب را می‌پرستند تا ماده پرست و شهوت پرستی که به مظاهر آنها سر فرود می‌آورد و احکام خدا و هدایت را برای تقرب به آن تأویل و کتمان می‌نماید تا عقیده و مرام پرست جامدی که همه حقایق بسیط را در راه افکار ساخته و محدود خود فرم می‌دهد و تحریف می‌نماید تا علم و فرمول پرستی که می‌کوشد تا هر حقیقت و واقعیت آزادی را با دریافت‌های محدود خود منطبق سازد. (طالقانی، ۱۳۵۰: ۲ / ۳۱ و ۳۲)

از نظر طالقانی بندگی حقیقی به معنای نفوذ دادن اراده حق بر کلیه امور انسانی است. این در حالی است که او معتقد است اساس تمدن غرب بر بردگی و بندگی بشریت در برابر غیر خدا استوار است. طالقانی در نسخه جدید *اسلام و مالکیت* (۱۳۴۴)، بردگی امروز را بزرگتر از بردگی دوران قدیم دانسته و تمدن غربی را مسبب بردگی امروز بشریت به شمار می‌آورد. (طالقانی، ۱۳۴۴ الف: ۷۱)

تأکید طالقانی بر مفاهیمی چون بت پرستی و بردگی و مرتبط ساختن آن با غرب در حالی است که سید قطب نیز پیش از این در کتاب‌های خود بیان کرده بود که پرستش می‌تواند شکل‌های گوناگون داشته باشد و تنها در ستایش اجسام خلاصه نشده و تنها به دوران قبل از اسلام بر نمی‌گردد. به نظر او جهان امروز و به‌طور خاص تمدن غرب، گرفتار پرستش برخی افکار و اندیشه‌هاست. سید قطب در کتاب *المستقبل لهذا الدین* که بین سال‌های ۱۳۳۹ - ۱۳۳۳ شمسی در مصر انتشار یافته و ترجمه آن در سال ۱۳۴۵ شمسی در ایران به چاپ

۱. یکی از سخنرانی‌های آیت‌الله طالقانی در دهه ۴۰.

۲. این کتاب مربوط به چند سخنرانی آیت‌الله طالقانی در دهه ۵۰ است.

رسیده است، در تعریف بت پرستی این گونه می نویسد: «مردمی که در سایه اسلام زندگی می کنند و برنامه اسلامی را که از آن طرز تفکر الهام می گیرد بی کم و کاست به کار می برند مسلمانند و دیگران پیرو هر مکتب و برنامه دیگر، آلوده بت پرستی» می باشند. (قطب، ۱۳۴۵: ۱۶)

سید قطب همچنین در کتاب *الاسلام و المشكلات الحضاره* که بین سال های ۱۳۴۰ - ۱۳۳۳ شمسی در مصر انتشار یافته و ترجمه آن در ایران در سال های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۱ به چاپ رسیده، معتقد است با سیطره تمدن غربی بر جهان امروز، «انسان، خدایانی به جز خدا برای خود گرفت. از مال و ثروت، خدا ساخت. از هوی و هوس خدا ساخت ... انسان همه این خداها را ساخت و پرستید تا از خدا بگریزد و از پرستش او سر باز زند». (قطب، ۱۳۵۱: ۲۳۰)

سید قطب در اغلب کتاب های خود بیان می کند که امروز بردگی و بندگی جدیدی برای بشریت رقم خورده است که مسبب اصلی آن تمدن غرب است. او بر این نظر است که «انسانی که در زیر سلطه تمدن غربی زندگی می کند جای خدای یگانه طوق بندگی پول، هوس، ماده، تولید، زمین و غریزه جنسی و از همه مهم تر قانون گذاران را که غاصبان حق اختصاصی پروردگارانند به گردن آویخته است». (قطب، ۱۳۴۹: ۱۹۶)

سید قطب با زیر سؤال بردن مکاتب غربی در کتاب *معالم فی الطریق* می آورد:

در هر حکومتی اعم از سوسیالیستی و امپریالیستی خلق ناگزیر به کرنش در برابر دیگری می شوند به جز مکتب اسلام که همه خلق از عبادت و بندگی و کرنش در برابر یکدیگر آزادند. (قطب، ۱۳۵۹: ۱۴)

موارد مذکور نشان دهنده نزدیکی و مشابهت آراء طالقانی و سید قطب در نسبت دادن بت پرستی و بردگی به غرب است. با در نظر گرفتن اینکه اکثر کتاب های سید قطب در دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی منتشر شده است، می توان این احتمال را داد که طالقانی از اندیشه های سید قطب تأثیر پذیرفته باشد. نکته قابل توجه آن است که مفاهیمی همچون بردگی و بت پرستی و نسبت دادن این مفاهیم به غرب در نسخه جدیدتر اسلام و مالکیت بیش از نسخه اولیه این کتاب مشاهده می شود.

۳. مورد پرسش قرار دادن پیشرفت غرب

یکی از نقاطی که طرفداران پیروی از الگوی غرب بر آن انگشت می گذارند، پیشرفت غرب در حوزه های گوناگون به ویژه قدرت علمی این تمدن است. طالقانی در نگاه غرب ستیزانه خود سعی دارد غرب را به عنوان الگویی برای تقلید یا اقتباس مورد انتقاد قرار دهد. او با زیر سؤال بردن پیشرفت اروپا در کتاب *پرتوی از قرآن* می نویسد:

تمدن غرب همراه علم و صنایع و اکتشافات خود از یک سو، شک در اندیشه های صحیح و ناصحیح گذشتگان در اصول ایمانی و اخلاقی با خود آورد و از سوی دیگر درهای آرزوهای

مادی و شهوات رنگارنگ را بر وی گشود ... و به عنوان شعار آزادی، نسل جوان در بند هواها و شهوات و به دست غرور گرفتار شده‌اند ... تا آنکه انسان قرن نوزده و بیست دچار چنان اضطراب و ناامنی شده است که برای چاره‌جویی مصلحین و خیراندیشان را متحیر کرده است. (طالقانی، ۱۳۴۵: ۵ / ۲۴۷)

طالقانی معتقد است گرچه غرب در برخی زمینه‌های مادی توانسته بر طبیعت چیره گردد، ولی این پیشرفت مادی، یک جنبه بوده و چون سم مهلکی است که این تمدن را به اضمحلال کشانده است. از نظر وی، تمدن غرب روز به روز انسانیت خود را از دست می‌دهد و به سمت حیوانیت پیش می‌رود. (طالقانی، ۱۳۵۰: ۲ / ۱۳۶)

سید قطب نیز در اغلب نوشته‌های خود به دنبال نامطلوب جلوه دادن الگوی غربی است. او در کتاب *معركة الاسلام و الرأسمالية* که در سال ۱۳۲۹ شمسی به چاپ رسید و در اوایل دهه ۴۰ ترجمه آن در ایران انتشار یافت، متذکر می‌شود که اسلام با اجتماع، تمدن و تجدد هماهنگ است، اما این تمدن به معنای تمدن و تجددی نیست که در غرب بر پایه بی‌بندوباری‌های حیوانی و هواهای نفسانی استوار است. (قطب، بی‌تا: ۹۸ و ۹۹) او در *فی ظلال القرآن* که اولین بار در سال ۱۳۳۳ شمسی به فارسی چاپ شد، با زیر سؤال بردن دستاوردهای تمدن غرب، ناتوانی آن در برقرار کردن تعادل با جهان را متذکر شده و غرب را به مثابه پرنده‌ای یک‌بال می‌داند که اگرچه در دستاوردهای مادی به مدارجی رسیده است، ولی در مسائل انسانی در نهایت ضعف و عقب‌ماندگی بوده و امروز مشکلات روانی و اجتماعی به طور فراگیر تمدن غرب را به سمت اضمحلال پیش می‌برد. (قطب، ۱۳۶۲: ۱۹)

مشابهت آراء سید قطب و آیت‌الله طالقانی در خصوص مفهوم پیشرفت و تمدن غرب را می‌توان در توالی زمانی یکدیگر مشاهده کرد. سید قطب در کتاب‌های اولیه خود که زمان انتشار اکثر آنها به اوایل دهه ۳۰ شمسی می‌رسد این مفهوم را مطرح کرده است، درحالی‌که آیت‌الله طالقانی در کتاب‌هایی همچون پرتوی از قرآن که شروع نگارش آن به اواسط دهه ۴۰ می‌رسد بر این مفهوم تأکید ورزیده است.

۴. مفهوم «جاهلیت»

یکی از واژگان کلیدی در اندیشه آیت‌الله طالقانی واژه «جاهلیت» و ارتباط دادن آن با جوامع امروزی است. طالقانی تمدن غرب را نمودی از جامعه جاهلی و بازگشت به دوران جاهلیت می‌داند. از نظر وی محیط جاهلیت در اصطلاح دین، آن محیطی است که مردمش گرفتار بند شهوات و اوهام و بندگی غیر حق باشند. او خصوصیت بارز جاهلیت را تحقیر و کشتن شخصیت انسان و به بند کشیدن آن در راه ارضای غرائز و مال و شهوات می‌داند، همان‌گونه که در تمدن صنعتی و علمی غرب هم این خصائص و علائم مشهود است. از نظر طالقانی، در این تمدن «مرد و زن از وضع طبیعی خود برکنار (عضل و عزل) شده و به صورت آلت و

وسيله توليد و شهوات درآمده‌اند. شرک و جاهليت - جاهليت و شرک!!» (طالقانی، ۱۳۶۰ ب: ۴ / ۱۲۰)

طالقانی با يکسان دانستن دوران جاهليت پيش از اسلام و جهان امروز، تنها راه رهايی از جاهليت را احياي اسلام می‌داند. او می‌پرسد:

آيا برای نجات بشریت در آن دوره جاهليت بت‌پرستی و در این عصر جاهليت تمدن نماي ماده‌پرستی چاره‌ای جز این تحول توحیدی و تغییر خط سير حياتی می‌توان یافت؟^۱ (طالقانی، بی تا ه: ۴۱ - ۳۸)

ایشان با انتقاد از جامعه ایران در دوران پهلوی، از آن جهت که همه عناصر آن در جهت مخالف اسلام هستند، آن را نیز به سرزمین جاهليت تشبيه می‌کند. او می‌گوید:

این سرزمین جاهليت است، در مقابلش سرزمین اسلام است ... این سرزمین جاهليت است، حال اگر عمارت‌ها و ساختمان‌ها و دستگاه‌های صنعتی و اتومبیل‌ها و همه چیز داشته باشد، ولی اجتماعشان به این صورت باشد که عالمی را ... بزنند که صدایش در نیاید و جاهلی کرسی‌های فرماندهی و رهبری اجتماع را به دست بگیرد، این سرزمین جاهليت است، در هر جا که باشد، در هر زمانی معیار است. (طالقانی، ۱۳۶۰ الف: ۲۲)

جاهلی شمردن تمدن غربی و نیز مطرح کردن حکومت پهلوی به عنوان نمودی از یک جامعه جاهلی توسط طالقانی تشابه زیادی با اندیشه سيد قطب دارد. مفهوم «جامعه جاهلی» در شمار کلید واژه‌های مخصوص سيد قطب است. او این نگرش در باب جاهليت را در اغلب کتاب‌های اولیه خود از جمله کتاب *دراسات الاسلاميه* بیان کرده است. (قطب، ۱۳۴۸: ۵۸) سيد قطب تمام حکومت‌های غیرالهی را نمودی از جامعه جاهلی می‌داند و حتی جوامع اسلامی را نیز جامعه جاهلی خطاب می‌کند. (قطب، ۱۳۳۶: ۱۴۴) او معتقد است ما اکنون در روزگار جاهليت به سر می‌بریم. همان جاهلیتی که اسلام به هنگام خیزش نخستین خویش با آن هم‌دوره و درگیر بوده است.

قطب می‌نویسد: «همه آنچه که در پیرامون ما وجود دارد جاهليت است و نمودهای جاهلی ... از جمله پندارهای خلق، عقایدشان، عاداتشان، پیروی‌ها و اطاعت‌هایشان، مواد و مصالح فرهنگشان، فنونشان ... فرامین و احکام و قوانینشان». (قطب، ۱۳۵۹: ۳۰)

مفهوم جامعه جاهلی در آن دسته از آثار آیت‌الله طالقانی مشاهده می‌شود که متعلق به اواخر دهه ۳۰ شمسی هستند، درحالی‌که چنین مفهومی در کتاب‌هایی همچون *اسلام و مالکیت* که در سال ۱۳۳۰ شمسی منتشر شده است قابل مشاهده نیست. به علاوه، طالقانی در جلد‌های پایانی کتاب *پرتوی از قرآن* که مربوط به دهه ۵۰ شمسی است تأکید بیشتری بر مفهوم جاهليت دارد. در این سال‌ها نه فقط اصل عربی کتاب‌های

۱. این کتابچه مقاله‌ای است که در اواخر دهه ۳۰ به نگارش درآمده است.

سید قطب در دسترس بوده، بلکه ترجمه فارسی اکثر آنها نیز منتشر شده بود. سید قطب در کتاب‌هایی همچون *فی ظلال القرآن* (در سایه قرآن)، *دراسات الاسلامیه* (ما چه می‌گوییم)، *معالم فی الطریق* (چراغی بر فراز راه)، *هَذَا الدین* (اسلام آیین فطرت) و *المستقبل لهذا الدین* (آینده در قلمرو اسلام)، مفهوم جاهلیت را بیان کرده است.

۵. اسلام تنها «راه حل» در جهان امروز

اندیشمندان مسلمان در طول تاریخ، اسلام را تنها راه صلاح دنیوی و اخروی می‌دانسته‌اند و ابراز این دیدگاه از سوی ایشان به عنوان متفکرانی که دل در گرو اسلام دارند، طبیعی است. اما همین مفهوم دیرپای در چند دهه اخیر در قالب عبارت دیگری پردازش و ارائه شده که خاص دوران جدید است: «اسلام تنها راه حل است» یا «الاسلام هو الحل». این اندیشه معمولاً با ایده «بازگشت به اسلام» قرین بوده است. در آثار آیت‌الله طالقانی مشاهده می‌شود که ایشان ضمن تشریح انحطاط امروز جوامع اسلامی، تنها راه رهایی از این انحطاط را بازگشت به اسلام می‌داند. از نظر او مسلمانان تا زمانی که متکی به ایمان و مطیع قوانین الهی بودند پیشرفت کردند و ملل دیگر را نیز از دستاوردهای اسلام بهره‌مند ساختند، اما از زمانی که آن را کنار گذارند متوقف شدند و به جاهلیت برگشتند و جهان را به جاهلیت برگرداندند. (طالقانی، ۱۳۵۸ ب، ۳ / ۲۴۵) او در جلد اول *پرتوی از قرآن* که مربوط به اوایل دهه ۴۰ شمسی است، بر این نظر است که قرآن می‌بایست مانند نیم قرن اول اسلام بر همه شئون نفسانی، اخلاق و قضاوت حاکم بوده و اسلام اساس حکومت باشد. ایشان رمز عقب‌ماندگی امروز مسلمانان را حکومت نکردن اسلام دانسته و با نگاهی منتقدانه می‌نویسد:

دنیای خود باخته اختراع و صنعت و دنیای ورشکست شده مسلمانان توجه ندارد و باور نمی‌کند که قرآن محلی در حیات دارد. به صراحت و زبان حال هر دو می‌گویند با پیشرفت دانش‌ها و اختراعات حیرت‌انگیز و سیاره‌های کیهان‌خیز چه نیازی به آیین الهی و قرآن است؟ (طالقانی، ۱۳۴۶: ۱ / ۱۳)

طالقانی در جلد ششم *پرتوی از قرآن* چنین می‌آورد:

چنان‌که پس از آمدن بنیه کامل و درخشان رسالت اسلام، مسلمانان از اهداف و تعالیم اصلی آن دور و روی گردان و متفرق گشتند و دچار غرور به اندیشه‌ها و پندارهای محدود خود شدند و قوای خود را برای خواری و نابودی یکدیگر به کار بردند ... تا آنکه سیل افکار و عقاید و اوهام دیگران ... همه چیز جوامع اسلامی را به هم ریخت. اکنون که هراسان و خودباخته و غارت‌زده چشم‌باز نمودند، راه چاره از کسانی می‌جویند و چشم یاری به دست کسانی دوخته‌اند که خود بیچاره‌تر یا منشأ بیچارگی و پراکندگی می‌باشند ... چاره جز این نیست که زعما و اندیشمندان و مؤمنین

به خدا نخست ... خود را از بندهای اوهام غرور انگیز و شرک آور برهاند، آنگاه با روح و فکر روشن و زبان پاک نماینده و رسول رسالت اسلام شوند ... تا مسلمانان ملل دیگر را از کفر و شهوت‌هایی که با رنگ و روغن اصلاحات جالب و فرمول‌های ساختگی و منحرف‌کننده علمی آراسته شده، با دمیدن تبلیغات بت تراشان قرن بیستم بر فطرت‌های پاک چسبیده و جوش خورده برهاند و انسانیت را از واژگونی و سقوط نجات دهند. (طالقانی، ۱۳۴۸: ۶ / ۲۱۰ و ۲۱۱)

ادبیات نوین و عبارت‌پردازی‌های جدیدی که مبین ایده «اسلام به عنوان تنها راه حل» برای مشکلات جوامع امروزین مسلمان هستند تا حد زیادی مرهون آثار سید قطب‌اند. او در اکثر کتاب‌های خود، تنها راه نجات جهان را در گرو تحقق عملی اسلام می‌داند.

سید قطب در کتاب *معركة الاسلام و الرأسمالية* بیان می‌کند:

این دین نیامده در معابد گوشه نشین باشد ... بلکه آمده است حکومت نماید و زندگی را به وضع شایسته‌ای اداره کند. آمده است تا اجتماع مترقی و کاملی مطابق اسلوب خودش که در باب زندگی دارد بسازد. (قطب، بی‌تا: ۸۱)

هرچند در آثار اولیه طالقانی نیز از وجوه اجتماعی و سیاسی اسلام یاد می‌شود، اما پررنگ شدن این بحث در کتاب پرتوی از قرآن می‌تواند احتمال تأثیرپذیری او از اندیشه سید قطب را مطرح سازد. سید قطب در تمامی کتاب‌هایی که بعد از دهه ۴۰ میلادی به نگارش در آورده است، تأکید وافری بر حکومت کردن اسلام بر جهان امروز دارد.

به علاوه تأکید آیت‌الله طالقانی (در نقل قول پیشین) بر جایگاه زعما، اندیشمندان و مؤمنان و گوشزد کردن نقش سرنوشت‌ساز آنها با مفهوم گروه «نخبه» در اندیشه سید قطب شباهت دارد. از نظر قطب برای تحقق جامعه‌ای اسلامی نیازمند گروه نخبه‌ای هستیم که ضمن زدودن آثار جاهلیت از افکار و اندیشه‌های خویش و درک صحیح از اسلام، علیه جامعه جاهلی قیام کند. (کوپل، ۱۳۷۰: ۵۷ - ۴۰)

۶. «جهاد» در مقابل قدرت‌های غیر الهی

آیت‌الله طالقانی در آثار خود بر خصومت جهان غرب با اسلام تأکید دارد. از نظر ایشان، از آغاز دعوت اسلام تاکنون قدرت‌های غیرالهی، از اشراف قریش گرفته تا استعمارگران و قدرت‌های جهان امروز، با اسلام دشمنی ورزیده‌اند. طالقانی این خصومت را ریشه‌ای می‌داند و درباره علل آن می‌نویسد:

در جهان امروز هم با دستگاه‌های تبلیغاتی خود بر علیه اسلام کوشیده و می‌کوشند، چون از این ناحیه احساس خطر می‌کنند. چون اسلام با خودخواهی و شهوات فردی و قومی و امتیازات نژادی و ملی و برتری‌ها و بندگی‌ها برای بشر مخالف است و همه اینها، خواسته و آمال قدرت‌طلبان و قدرتمندان قدیم و جدید و استعمارگران و عوامل آنهاست. (طالقانی، بی‌تا: ۲۳)

طالقانی در مقاله جهاد و شهادت،^۱ راه حل نهایی در مقابل دشمنان اسلام را جهاد می‌داند. (طالقانی، ۱۳۴۴ ب: ۳۴) او با تأکید بر اینکه دین اسلام برای پیاده شدن در جامعه و برای عمل نازل شده است (همان: ۱۶۶)، می‌گوید: «دینی که روح حق است و نظامات دارد نمی‌شود جهاد و دفاع نداشته باشد». (طالقانی، بی‌تا د: ۳۸) ایشان ضمن بیان اینکه جنگ فی سبیل الله کامل‌ترین مقام انسان و برترین راه برای از میان بردن مزاحمان حق و عدل است، معتقد است با جنگ فی سبیل الله می‌توان قدرت‌های اقتصادی و مادی را از میان برد و در زمین حق و عدل را مستقر ساخت. (طالقانی، ۱۳۴۴ ب: ۷۶) طالقانی با تفاوت قائل شدن میان جهاد در اسلام و جنگ‌هایی که تمدن غرب بانی آن است، می‌پذیرد که اگرچه نمی‌توان جنگ را از صحنه زندگی بشریت حذف کرد، اما با رهبری الهی جنگ محدود شده و به مسیر خاص برمی‌گردد. این جنگ از نظر او جنگ در راه خدا و جنگ با جنگ، فتنه‌جویی، درنده‌خویی و فساد است و به آن منظور صورت می‌گیرد که هدایت و قوانین الهی بر همه قوانین و اصول بشری برتری یابد و حاکم شود. (طالقانی، بی‌تا د: ۱۹) از نظر طالقانی جهاد به منظور برپایی حکومتی توحیدی، همکاری مسلمانان را می‌طلبد. او می‌نویسد:

اگر مسلمانان تجدید حیات نمایند و این ندا را در دنیای شرک و ماده پرستی و ستمگری سر دهند و صفوف زنده‌ای بر پا دارند، می‌توانند نظامات واژگون بشری را براندازند و نظام نوین توحید و عبادت و فکر و قوا را برقرار سازند. (موسوی خارقانی، ۱۳۳۹ ج)

تأکید بر اهمیت جهاد در اسلام امری دیرپاست. اما این مفهوم در دو قرن اخیر و در پی اتهاماتی که مستشرقان در باب جنگ طلبی مسلمانان روا می‌داشتند در محاق فرورفت. نسل اول اصلاح‌طلبان مسلمان توجه کمتری به جهاد مبذول می‌داشتند. یکی از مهم‌ترین چهره‌هایی که به احیای مفهوم جهاد پرداخت و آن را به کانون مباحثات اسلام‌گرایان در اواسط قرن بیستم کشانید سید قطب بود. او تنها راه تحقق حکومت اسلامی را جهاد می‌دانست. (قطب، ۱۳۵۹: ۱۰۵ - ۱۰۳؛ قطب، ۱۳۴۹: ۵۶؛ قطب، ۱۳۴۸: ۲۲۵) وی جنگ در اسلام را از جنگ‌هایی که تمدن غرب برای رسیدن به اهداف مادی انجام می‌دهد متمایز می‌ساخت. سید قطب ضمن بیان سابقه دشمنی غرب با اسلام (قطب، ۱۳۵۹: ۳۳۲)، در کتاب *دراسات الاسلامیه* چنین آورده است:

جنگی را که اسلام آغاز می‌کند در واقع جنگ آزادی بشریت است ... جنگ اسلام جنگی نیست که آتش آن را تمدن پست غربی بر ضد بشریت و به خاطر سود مادی خود و بردگی نژادی یا تعصب دینی روشن ساخته باشد، چنان‌که نمونه‌های آن را جهان غرب در تاریخ راز آلود و کثیف خود دیده و شناخته است. (قطب، ۱۳۴۸: ۱۲۰ و ۱۲۱)

تأکید وافر آیت‌الله طالقانی در آثار دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی بر مفهوم جهاد در حالی است که پیش از این رغبت چندانی به طرح این مباحث نشان نداده و بیشتر به دنبال اصلاح بوده است. به نظر می‌رسد همین

۱. این مقاله مربوط به یکی از سخنرانی‌های آیت‌الله طالقانی در سال‌های اولیه دهه ۴۰ شمسی است.

نگاه بود که باعث شد ایشان در دهه ۲۰ با حکومت وقت در فرونشاندن غائله آذربایجان همکاری نمایند. (عزیزی، ۱۳۸۸: ۵۲ - ۵۰) این در حالی است که کمتر اثری از سید قطب می‌توان یافت که در آن بر مفهوم جهاد تأکید نشده باشد.

نشانه‌های عینی آشنایی آیت‌الله طالقانی با اندیشه سید قطب

در قسمت پیش به بیان تشابهات مفهومی میان اندیشه‌های آیت‌الله طالقانی و سید قطب پرداختیم و توالی زمانی آنها را احراز کردیم. آنچه می‌تواند این تشابهات مفهومی را به تأثیرپذیری آیت‌الله طالقانی از سید قطب نسبت دهد وجود محمل‌های عینی ارتباطی است که آشنایی طالقانی با اندیشه‌های قطب و الهام‌پذیری احتمالی از او را نشان دهد. در این قسمت به بررسی کانال‌ها یا ابزارهایی می‌پردازیم که وجود این ارتباط عینی را مشخص کرده و به سان عوامل واسط و پیوند دهنده‌ای هستند که بین متغیر مستقل و وابسته ارتباط ایجاد می‌کنند. وجود این ابزارها و محمل‌های عینی ارتباط، نشان‌دهنده آن است که اندیشه‌های سید قطب در فضای فکری ایران در دوران قبل از انقلاب مطرح بوده است (همتی، ۱۳۹۱) و احتمال آشنایی آیت‌الله طالقانی با اندیشه‌های سید قطب را تقویت می‌کنند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود.

دیدارهای رهبران اخوان المسلمین از جمله حسن البناء با آیت‌الله کاشانی (ظهیری‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۰۸) نامه‌نگاری میان سید قطب و آیت‌الله کاشانی (خسروشاهی، ۱۳۶۶: ۱ و ۲؛ نجمی، ۱۳۹۱: ۱)، تشکیل «دارالتقریب مذاهب اسلامی» توسط شیخ محمود شلتوت مصری با همکاری آیت‌الله قمی و آیت‌الله بروجردی (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱: ۲۰ - ۱۷) و انتشار مجله رساله الاسلام که در آن روحانیان ایرانی و اندیشمندان مصری به انتشار مقالات خود می‌پرداختند، وجود روابط میان روحانیان ایران و فعالان مصری را نشان می‌دهد. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۷۹: ۳۶۹) بر این موارد باید دیدارهای شخصیت‌های اخوان المسلمین همچون سعید رمضان، مدیر مجله المسلمون و داماد حسن البناء از ایران (باوی، ۱۳۸۱: ۳۳۰) و شرکت روحانیان ایرانی از جمله آیت‌الله کاشف الغطاء در کنگره‌های اسلامی را نیز افزود. (کاشف الغطاء، ۱۳۴۷: ۳۵)

آیت‌الله طالقانی خود نیز در سال ۱۳۳۱ به همراه آیت‌الله سید رضا موسوی زنجانی، سید صدرالدین بلاغی و شیخ خلیل کمره‌ای در کنگره «شعوب المسلمین» شرکت کرد و در همین سال از کشورهای عراق، سوریه، لبنان و عربستان دیدن نمود و با برخی شخصیت‌های اسلامی ملاقات کرد. طالقانی در کتاب به سوی خدا می‌رویم از سفر حج سال ۱۳۳۱ سخن گفته و از مجلات مصری مانند رساله الاسلام که از طرف جمعیت علمای دارالتقریب منتشر می‌شد نام می‌برد و از دیدار خود با شخصیت‌های اخوان از جمله سعید رمضان یاد می‌کند. (طالقانی، بی‌تا ب: ۲۳ و ۱۲۸) نواب صفوی که دارای ارتباط نزدیکی با آیت‌الله طالقانی بود نیز در همین دوران در «مؤتمر اسلامی قدس» شرکت جست. او همچنین در آخرین بازجویی‌های خود به ارتباطش

با سازمان‌های شبان‌المسلمین و اخوان‌المسلمین مصر اشاره کرد. (جعفریان، ۱۳۸۴: ۱ / ۳۱۹) مجله المسلمون نیز که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ میلادی برخی مقالات سید قطب و قسمت‌هایی از تفسیر فی ظلال القرآن را منتشر کرده بود، از ارتباط نواب صفوی با این مجله سخن گفته است. (شقایق، ۱۳۷۵: ۱۷۱)

سفری که آیت‌الله طالقانی در سال ۱۳۳۸ به همراه علما و خطبای معروف ایران از جمله آیت‌الله کمره‌ای به بیت‌المقدس برای شرکت در مؤتمر اسلامی و سپس مصر داشت و همچنین حضور ایشان به همراه هشت تن دیگر از روحانیان و فعالان ایرانی در مؤتمر اسلامی سال ۱۳۴۰ (میرابوالقاسمی، ۱۳۸۲: ۱ / ۳۳۴ - ۲۱۲؛ افراسیابی و دهقان، ۱۳۶۰: ۱۶۹) بیان‌گر وجود ارتباط میان برخی روحانیان ایرانی و اندیشمندان مصری و دسترسی مستقیم یا غیرمستقیم به اندیشه‌های سید قطب است. در این دوران آیت‌الله طالقانی با شخصیت‌های ایرانی آشنا با اندیشه‌های سید قطب، مانند سید هادی خسروشاهی، نیز ارتباط داشت. (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی استاد سید هادی خسروشاهی)

در کنار این ارتباطات، موج گسترده ترجمه و انتشار آثار سید قطب در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی در ایران، دسترسی آیت‌الله طالقانی به آثار سید قطب را تسهیل می‌بخشید. خسروشاهی که خود مترجم چندین اثر از سید قطب است در مورد واکنش روحانیانی مانند آیت‌الله طالقانی در خصوص ترجمه آثار سید قطب می‌گوید:

آنها مؤید ما بودند. این جریان هم محدود به شهید مطهری، مرحوم آقای بازرگان و مرحوم آقای طالقانی و امثال آنان بود و ما را به دلیل نشر کتاب‌ها تشویق می‌کردند. در واقع خودشان نمی‌رسیدند، از اینکه می‌دیدند بچه طلبه‌هایی مثل ما به میدان آمده‌اند خوشحال بودند. (باوی، ۱۳۸۱: ۳۳۶)

طالقانی خود درباره اهمیت اندیشمندان مصری می‌نویسد:

مصر که مرکز با ارزش تفکر اسلامی است، در این قرن، با نوک قلم مؤثرترین دفاع منطقی را از حریم قدسی و اندیشه‌های اسلامی نموده است. (عبدالمقصود، ۱۳۳۵: مقدمه مترجم کتاب؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱: ۱۸)

آیت‌الله طالقانی در برخی آثار خود حتی از سید قطب نیز نام برده است. به طور نمونه ایشان در سالنامه معارف جعفری در سال ۴۱ در خصوص یکی از کنگره‌های اسلامی می‌نویسد: «هیئت منتخبین از اشخاص برجسته‌ای مانند سید قطب، محمد عبد الرحمان خلیفه و دکتر سعید رمضان و کمال شریف ترکیب یافته بود». (طالقانی، ۱۳۴۱: ۳۰۸ - ۳۰۵؛ بسته نگار، ۱۳۷۸: ۳۵۲) بیان برجسته بودن سید قطب نشان دهنده اهمیت او برای آیت‌الله طالقانی است. نقدهای ایشان به سید قطب نیز نمونه‌ای دیگر از موارد تأیید کننده آشنایی ایشان با آثار سید قطب است. وی در کتاب *پرتویی از قرآن*، ضمن بر شمردن اهمیت یکی از آثار سید قطب در خصوص بیان اعجاز قرآن، به نقد آن پرداخته و می‌نویسد:

برخی از محققان اسلامی مانند سید قطب در کتاب *التصویر الفنی فی القرآن* گرچه این دریچه از اعجاز قرآن را گشودند، ولی نقد و بحث و تعقل‌رسانی در آن نشده است. (طالقانی، ۱۳۴۵: ۵ / ۳ - ۲)

همچنین برخی از گواهان، استفاده آیت‌الله طالقانی از آثار سید قطب را یادآور شده‌اند. بهرام افراسیابی در کتاب *طالقانی و تاریخ* می‌آورد آیت‌الله طالقانی در بین کتاب‌های خود کتاب‌هایی چون *فی ظلال القرآن* سید قطب را برای نوشتن تفسیر *پرتوی از قرآن* مطالعه می‌کرد و در لیست کتاب‌های مورد مطالعه او کتاب‌های سید قطب نیز وجود داشت. (افراسیابی و دهقان، ۱۳۶۰: ۲۹۳)

نتیجه

با بررسی مفاهیم کلیدی در اندیشه‌های آیت‌الله طالقانی و سید قطب و با در نظر گرفتن دو مقوله تشابه مفهومی و توالی زمانی می‌توان دریافت که بسیاری از مفاهیم و نظرات در اندیشه این دو شخصیت مشترک است. این تشابهات مفهومی را در آثار دهه ۳۰ شمسی به بعد و در آراء غرب ستیزانه آیت‌الله طالقانی بیشتر می‌توان مشاهده کرد. آرائی چون تصویر کردن دوراهی برای بشریت در جهان امروز، نسبت دادن بردگی و بت پرستی به انسان در تمدن غرب، توصیف غرب به عنوان جامعه جاهلی، مطرح کردن اسلام به عنوان تنها راه حل مشکلات جهان و سخن گفتن از لزوم جهاد به منظور استقرار حکومت اسلامی و رهایی از جامعه غیرالهی، در اندیشه‌های هر دو شخصیت مطرح شده است. برخی مفاهیم مانند جهاد و جامعه جاهلی در آثار دهه چهل آیت‌الله طالقانی برجستگی بیشتری می‌یابند، به گونه‌ای که حتی ایشان جامعه ایران در زمان رژیم پهلوی را به عنوان نمونه‌ای از جامعه جاهلی توصیف می‌کند. اکثر این مفاهیم در آراء طالقانی در برهه‌ای طرح شدند که پیش از این سید قطب در آثار خود به آنها پرداخته بود. البته باید دانست که این تشابهات مفهومی در بستر شرایط محیطی مشابه و با ارجاع به منابع فکری مشترک بروز می‌یابند، ولی صبغه اندیشه سید قطب در آنها مشهود است.

شواهد این پژوهش گواه آن است که آیت‌الله طالقانی به طور مستقیم و غیرمستقیم با اندیشه‌ها و آثار سید قطب آشنایی داشته است. ایشان نه تنها با کسانی چون نواب صفوی و آیت‌الله کاشانی و بعدها سید هادی خسروشاهی که به نحوی با متفکران مصری و از آن جمله سید قطب در ارتباط بودند، در دهه ۲۰ و ۳۰ شمسی در تماس بوده، بلکه خود نیز در سفرهای گوناگون به کشورهای مسلمان و شرکت در کنفرانس‌های اسلامی با صاحب‌نظران آشنا با اندیشه‌های سید قطب دیدار کرده است. آیت‌الله طالقانی در برخی آثار خود از سید قطب در کنار برخی دیگر از شخصیت‌های مصری نام برده است. با توجه به سخنان ایشان مبنی بر نیاز به اندیشه‌ای پویا و جذاب برای جوانان در دوران هجوم ایدئولوژی‌های غیراسلامی به جامعه ایرانی، احتمال بهره‌گیری ایشان از آثار سید قطب بیشتر تقویت می‌شود.

این پژوهش یک مطالعه موردی در باب تأثیرگذاری جنبش‌ها و نیروهای اسلام‌گرا بر یکدیگر در خاورمیانه معاصر است و البته نتایج آن را نمی‌توان به افراد خارج از موضوع مورد بررسی آن تعمیم داد؛ اما نشان می‌دهد که چگونه جنبش‌های اسلامی و اندیشمندان مسلمان علی‌رغم تفاوت‌های زبانی، ملی و حتی فرقه‌ای، در طول زمان بر یکدیگر تأثیر نهاده‌اند و این احتمال را مطرح می‌سازد که الهام‌پذیری مشابهی، با درجات و جهات مختلف، همچنان در جریان باشد.

منابع و مآخذ

۱. آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۸۰، *مدرنیته ایرانی: روشنفکران و پارادایم فکری عقب‌ماندگی در ایران*، تهران، نشر اجتماع.
۲. ازغندی، علیرضا، ۱۳۸۲، *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، سمت.
۳. افراسیابی، بهرام و سعید دهقان، ۱۳۶۰، *طالقانی و تاریخ*، تهران، نیلوفر.
۴. افراسیابی، بهرام، ۱۳۶۷، *ایران و تاریخ*، تهران، نشر علم، چ ۲.
۵. باوی، محمد، ۱۳۸۱، «*اخوان المسلمین و جنبش اسلامی ایران؛ مصاحبه با سید هادی خسروشاهی*»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۱۸، ص ۳۴۰ - ۳۲۹.
۶. بسته نگار، محمد، ۱۳۷۸، *مناره‌ای در کویر*، ج اول، تهران، انتشارات قلم، چ ۲.
۷. پایگاه اطلاع‌رسانی استاد سید هادی خسروشاهی، بازیابی شده ۱۳۹۱/۱/۳، (قابل دسترسی در: <http://www.khosroshahi.org>)
۸. جاوید، محمدجواد، ۱۳۷۹، *حاکمان پنهان در ایران و جهان*، تهران، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌ای.
۹. جعفریان، رسول، ۱۳۸۴، *رسائل سیاسی - اسلامی دوره پهلوی*، ۲ جلدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. حموده، عادل، ۱۳۸۶، *سید قطب از ولادت تا شهادت (از روستا تا چوبه‌دار)*، ترجمه فضل‌الله میرقادری، شیراز، کوشا مهر.
۱۱. خالدی، صلاح عبدالفتاح، ۱۳۸۰، *سید قطب از ولادت تا شهادت*، ترجمه جلیل بهرامی‌نیا، تهران، احسان.
۱۲. خسروشاهی، سیدهادی، ۱۳۶۶، «*نامه سید قطب به آیت‌الله کاشانی*»، *روزنامه اطلاعات*، ۶۶/۱۲/۲۷، (قابل دسترسی در آرشیو نمایه‌های بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی).
۱۳. درخشه، جلال، ۱۳۸۱، «*ساختارشناسی فکر دینی در ایران معاصر با تأکید بر رویکردهای روشنفکری*»، *مجله علوم سیاسی*، شماره ۲۰.

۱۴. دکمجیان، هریر، ۱۳۸۸، *جنبش‌های اسلامی در جهان عرب* (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی)، تهران، کیهان، چ ۵.
۱۵. دورکیم، امیل، ۱۳۸۳، *قواعد روش جامعه‌شناسی*، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۵.
۱۶. شقاقی، فتحی، ۱۳۷۵، *جهاد اسلامی امام خمینی، شیعه و سنی و مسئله فلسطین*، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، نشر اطلاعات.
۱۷. شکرزاده، حسن، ۱۳۸۶، *مبارزات امام خمینی به روایت اسناد (از آغاز سلطنت تا تبعید به ترکیه)*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۸. طالقانی، محمود، ۱۳۳۳، *اسلام و مالکیت*، تهران، نشر مسجد هدایت، چ ۲.
۱۹. _____، ۱۳۴۱، «متفکرین اسلامی گرد هم می‌آیند»، *سالنامه معارف جعفری*، شماره ۲.
۲۰. _____، ۱۳۴۴ الف، *اسلام و مالکیت*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۱. _____، ۱۳۴۴ ب، *جهاد و شهادت و سه مقاله دیگر*، تهران، احسان.
۲۲. _____، ۱۳۴۵، *پرتوی از قرآن* (قسمت اول از مجلد آخر)، ج پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۳. _____، ۱۳۴۶، *پرتوی از قرآن*، جلد اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۲.
۲۴. _____، ۱۳۴۸، *پرتوی از قرآن* (قسمت دوم از مجلد آخر)، ج ششم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۵. _____، ۱۳۵۰، *پرتوی از قرآن*، ج دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۶. _____، ۱۳۵۸ الف، *خداشناسی و فطرت*، بی‌جا، ناس.
۲۷. _____، ۱۳۵۸ ب، *پرتوی از قرآن* (قسمت پنجم)، ج سوم، گردآوری سید محمد مهدی جعفری، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۸. _____، ۱۳۶۰ الف، *تبیین رسالت برای قیام به قسط*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۹. _____، ۱۳۶۰ ب، *پرتویی از قرآن* (قسمت ششم)، ج چهارم، گردآوری سید محمد مهدی جعفری، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۳۰. _____، بی تا الف، *گفتارها در زمینه دین؛ اجتماع؛ اخلاق؛ فلسفه؛ تربیت*، تهران، انتشارات رادیو.
۳۱. _____، بی تا ب، *بسوی خدا میرویم: با هم به حج میرویم*، تهران، نشر مسجد هدایت.
۳۲. _____، بی تا ج، *از تاریخ پیام‌وریم*، تهران، انتشارات ناس.
۳۳. _____، بی تا د، *آینده بشریت از نظر مکتب ما*، تهران، پیام آزادی.

۳۴. _____، بی تا، *توحید از نظر اسلام*، قم، نشر حر.
۳۵. طاهری، ابوالقاسم، ۱۳۸۰، *روش تحقیق در علوم سیاسی*، تهران، نشر قومس.
۳۶. ظهیری نژاد، مهناز، ۱۳۸۲، *مناسبات امام خمینی با حرکت‌ها و مبارزان اسلامی (۱۳۵۷ - ۱۳۴۳)*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۷. عبدالمقصود، عبدالفتاح، ۱۳۳۵، *امام علی بن ابیطالب*، ترجمه سید محمود طالقانی، تهران، نشر مسجد هدایت.
۳۸. عزیزی، حشمت‌اله، ۱۳۸۸، *زندگی و مبارزات آیت‌الله طالقانی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۹. قطب، سید، ۱۳۳۶، *فی ظلال القرآن*، جلد نهم، ترجمه احمد آرام، تهران، نشر علی اکبر علمی.
۴۰. _____، ۱۳۴۲، *اسلام و صلح جهانی*، ترجمه زین العابدین قربانی لاهیجی و سید هادی خسروشاهی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۴۱. _____، ۱۳۴۵، *آینده در قلمرو اسلام*، ترجمه سید علی خامنه‌ای، مشهد، نشر سپیده.
۴۲. _____، ۱۳۴۸، *ما چه می‌گوییم*، ترجمه سید هادی خسروشاهی، قم، انتشارات دین و دانش، چ ۲.
۴۳. _____، ۱۳۴۹، *ادعای نام‌های علیه تمدن غرب و دورنمایی از رسالت اسلام*، ترجمه سید علی خامنه‌ای و سید هادی خامنه‌ای، مشهد، نشر طوس.
۴۴. _____، ۱۳۵۱، *فاجعه تمدن و رسالت اسلام*، ترجمه علی حجتی کرمانی، تهران، مؤسسه انتشارات اسلامی.
۴۵. _____، ۱۳۵۵، *عدالت اجتماعی در اسلام*، ترجمه سید هادی خسروشاهی و محمد علی گرامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۸.
۴۶. _____، ۱۳۵۹، *چراغی بر فراز راه*، ترجمه حسن اکبری مرزناک، تهران، مؤسسه انتشارات ۲۲ بهمن.
۴۷. _____، ۱۳۶۲، *تفسیر فی ظلال القرآن*، ترجمه سید علی خامنه‌ای، ج اول، تهران، انتشارات ایران.
۴۸. _____، ۱۳۸۷، *مبانی تفکر اسلامی*، ترجمه ابوبکر حسن زاده، تهران، احسان.
۴۹. _____، بی تا، *اسلام و دیگران*، ترجمه سید محمد شیرازی، تهران، کانون انتشارات عابدی
۵۰. کاشف‌الغطاء، محمدحسین، ۱۳۴۷، *این است آئین ما*، ترجمه و شرح آیت‌الله مکارم شیرازی، قم، بی‌نا.
۵۱. الککک، ویکتور، بی تا، *تأثیر فرهنگ عرب در اشعار منوچهری دامغانی*، ترجمه محمد محمدی، بی‌جا، بی‌نا.
۵۲. کوپل، ژیل، ۱۳۶۶، *پیامبر و فرعون: جنبش‌های نوین اسلامی در مصر*، ترجمه حمید احمدی، تهران، نشر کیهان.
۵۳. کوپل، ژیل، ۱۳۷۰، *اراده خداوند: یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در راه تسخیر دوباره جهان*، ترجمه عباس آگاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵۴. لیتل، دانیل، ۱۳۸۶، *تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی فلسفی بر علم الاجتماع*، ترجمه عبدالکریم سروش،

- تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، چ ۴.
۵۵. محرم‌خانی، فریبرز، ۱۳۸۹، «بررسی تأثیر اندیشه ایران شهری بر آرای سیاسی امام غزالی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۴.
۵۶. مدنی، جلال‌الدین، ۱۳۷۸، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، ج دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵۷. مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱، *یاران امام به روایت اسناد ساواک: آیت‌الله سید محمود طالقانی*، ج اول، تهران، نشر وزارت اطلاعات.
۵۸. منوچهری، عباس و دیگران، ۱۳۸۷، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران، سمت.
۵۹. موسوی خارقانی، سید اسدالله، ۱۳۳۹، *محوالموهوم و صحوالمعلوم یا راه تجدید عظمت و قدرت اسلامی*، مقدمه سید محمود طالقانی، تهران، نشر غلامحسین نور محمدی خمسه‌پور.
۶۰. میرابوالقاسمی، محمدحسین، ۱۳۸۲، *طالقانی، فریادی در سکوت: سیری کوتاه در زندگی و اندیشه‌های بلند آیت‌الله طالقانی*، ۲ جلد، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۶۱. نجفی، موسی، ۱۳۸۵، *فلسفه تجدد در ایران*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چ ۲.
۶۲. نجمی، احمد، بازیابی شده ۱۳۹۱/۱/۲۵، «سید قطب، طلایه دار بیداری اسلامی»، پایگاه اینترنتی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، (قابل دسترسی در: <http://www.irdc.ir/fa/content/5190/default.aspx>).
۶۳. نقوی، علی محمد، ۱۳۶۱، *جامعه‌شناسی غربگرایی*، مؤسسه انتشارات، تهران، امیر کبیر.
۶۴. همتی، محمد علی، ۱۳۹۱، *بررسی تأثیر اندیشه‌های سید قطب بر نگرش روحانیون انقلابی ایران نسبت به غرب در دوران قبل از انقلاب*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۶۵. واعظ زاده خراسانی، محمد، ۱۳۷۹، *زندگی آیت‌الله العظمی بروجردی*، تهران، نشر دارالتقریب.
66. Bouzid, Ahmed, 1998, *Man, Society, and Knowledge in the Islamist Discourse of Sayyid Qutb*, Doctor of Philosophy Theses, Virginia, Unpublished.